

فواره گنجشک‌ها

■ علی مهر

فواره گنجشک‌ها: زندگی داستانی امام جعفر صادق علیه السلام

نویسنده: محمود پورهاب

نشر: قم؛ مسجد مقدس جمکران

قطع: پالتویی



محمود پورهاب در این اثر تلاش کرده با قرار دادن روایت‌ها و حکایت‌های گوناگون از امام صادق علیه السلام تصویری از تلاش‌ها، رنج‌ها، مجاهدت‌ها، راهبری‌ها و سبک زندگی آن حضرت ارائه کند. محدود بودن روایاتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده و در پرده بودن بسیاری از ابعاد این بزرگواران، از سوی دیگر اهتمام و توجه نویسنده به حفظ سندیت حکایات، این شیوه را -چینش جورچین‌وار روایات- به جای نوشتن یک داستان پیوسته رمان‌گونه رقم زده است و به نظر در این کار موفق بوده. خواننده با پایان بردن کتاب، تصویری از زندگی، اخلاق، تلاش‌ها، دانش، تدابیر و خیلی از ویژگی‌های امام صادق علیه السلام را به علاوه تصویری از زمانه ایشان به دست می‌آورد. در ادامه نگاهی می‌اندازیم به این کتاب:

زندگی‌نامه داستانی

اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد عنوان فرعی کتاب است: زندگی داستانی امام جعفر صادق علیه السلام. زندگی‌نامه یکی از قالب‌های مستند نوشتاری و یکی از

شاخه های تاریخ است. به عبارتی دیگر عنصر تخیل در این قالب راه ندارد و زندگی نامه نویسی تلاش می کند شرح واقعی ماجراها، حوادث و نقاط عطف زندگی شخص مورد نظر را به نگارش درآورد. زندگی نامه انواع مختلفی دارد که جای بحث آن مجال دیگری را می طلبد. اما وقتی عنوان «داستانی» در کنار زندگی نامه می آید به تعریف خاصی توجه دارد. از سویی زندگی نامه را به عنوان یک قالب مستند داریم و از سوی دیگر داستان را به عنوان یک قالب خلاقانه (قالبی که از عنصر تخیل سود می برد). میزان به کارگیری عناصر داستان در این قالب متفاوت و بستگی به عواملی همچون شخصیت یا شخصیت های موضوع کار و هدف نویسنده دارد؛ یعنی یا ما فقط به عناصری مانند نثر داستانی، برش ها و تقطیع های داستانی و زاویه دید توجه می کنیم و به واقعیت ها و مستندات وفادار هستیم و یا اینکه از دیگر عناصر داستانی هم استفاده می کنیم و مثلاً با وارد کردن شخصیت های فرعی در داستان زندگی یک شخص هدفمان این باشد که آنچه در مورد ویژگی های آن شخص در نظر داریم به صورت داستانی درآورده - حتی اگر همه آن ماجرا اتفاق نیفتاده باشد - و ارائه دهیم.

در زندگی نامه هایی مانند «فواره گنجشکها» نویسنده راه اول را انتخاب می کند و با وفاداری به روایت ها و مستندات تاریخی تلاش می کند با کمک عناصر داستانی روایتی خواندنی تر به مخاطب عرضه کند.

عنوان اثر

عنوان اثر، تصویری شاعرانه در ذهن مخاطب می آفریند و بلافاصله لو می دهد که ما با کار یک نویسنده شاعر روبه رو هستیم و خود را آماده می کنیم که نثری پر از تصاویر شاعرانه را بخوانیم. اما چنین نیست و با وجود تصاویر شاعرانه در جای جای این داستان ها به ویژه در داستان اول، نویسنده ترجیح داده از نثری ساده و روان برای روایت خود استفاده کند. به این نکته از آن جهت اشاره کردم که با توجه به بازنویسی های بسیاری که از زندگی معصومین علیهم السلام شده و می شود، نگاه



عنوان اثر، تصویری شاعرانه در ذهن مخاطب می آفریند و بلافاصله لو می دهد که ما با کار یک نویسنده شاعر روبه رو هستیم و خود را آماده می کنیم که نثری پر از تصاویر شاعرانه را بخوانیم. اما چنین نیست و با وجود تصاویر شاعرانه در جای جای این داستان ها به ویژه در داستان اول، نویسنده ترجیح داده از نثری ساده و روان برای روایت خود استفاده کند.

شاعرانه می‌تواند روایتی تازه از حکایت‌های تکرار شده در آثار دیگران بیافریند و با برداشتن آفت تکرار از کارهای مذهبی، خواننده را به تدبر و تأمل در روایت‌هایی که به دلیل آشنا بودن به راحتی از کنار آنها می‌گذشت، وادارد.

شگردی که استفاده نشد

برای معرفی یک شخصیت علاوه بر پرداختن به خود آن شخصیت، محیط، زمانه، دوستان، دشمنان و آنچه با شخص در ارتباط است می‌تواند در شناخت شخص و ارائه تصویری هر چه کامل‌تر از زندگی او کمک کند اما در روایت‌های «فواره گنجشک‌ها» محور تمام داستان‌ها شخص امام جعفر صادق علیه السلام است و از عناصر گفته شده در بالا هیچ کمکی گرفته نشده است. برای مثال هر چهار نفر از بنیان‌گذاران و رهبران مذاهب اهل سنت از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام بوده‌اند. نویسنده محترم می‌توانست با آوردن روایاتی از زندگی این چهار شخص، مقام و مرتبه آنها و نظرشان در مورد امام علیه السلام، جایگاه علمی حضرت را نشان دهد.



هر چهار نفر از بنیان‌گذاران و رهبران مذاهب اهل سنت از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام بوده‌اند. نویسنده محترم می‌توانست با آوردن روایاتی از زندگی این چهار شخص، مقام و مرتبه آنها و نظرشان در مورد امام علیه السلام، جایگاه علمی حضرت را نشان دهد.

چند نکته دیگر

نکاتی که در ذیل به آنها اشاره می‌شود به نظر اشتباهات کوچکی است که ممکن است در هر کاری به این حجم پیش بیاید و خود نویسنده محترم در یک بازنگری به آنها می‌رسند و در اینجا فقط برای تذکر و کمک به بازنگری ذکر شده است.

۱. در صفحه ۱۱ و داستان «همیشه کسی هست» آمده است: «علاقه فراوان او به علم و دانش باعث می‌شد... پهلوی بزرگان و دانشمندان بنشیند و علوم گوناگون را بیاموزد». اعتقاد ما بر این است که علم معصوم فراتر از علم بشر است و ایشان دانش خود را از سرچشمه الهی کسب می‌کند. بنابراین احتیاجی به آموختن از افراد دیگر ندارد. این اعتقاد راه را بر شبهه تحت تأثیر قرار بودن یا گرفتن آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب از دیگران می‌بندد. به این دلیل مطلب ذکر شده از داستان صحیح نیست و حتی اگر امام در کودکی در جلسات دانشمندان شرکت می‌کردند نه

برای آموختن بلکه به هدف دیگر مانند نشان دادن علاقه خود به علم و یا شرکت در بحث‌ها و مناظره‌های علمی بوده. در این میان شرکت در جلسات درس پدر و پدر بزرگ که هر دو علم را از سرچشمه الهی می‌گرفتند و به امام و جانشین بعد از خود انتقال می‌دادند بحثی جداست.

۲. در صفحه ۳۱ داستان «با او درشتی مکن» بند آخر برخلاف دیگر داستان‌های کتاب، نویسنده به مستقیم‌گویی و بیان وضعیت جامعه آن عصر و علت اتخاذ شیوه تبلیغی خاص و گسترش جلسات درس در آن برهه زمانی پرداخته است. وظیفه داستان نویس بیان غیر مستقیم و هنری موضوع است؛ کاری که نویسنده در بیشتر داستان‌های کتاب رعایت کرده است. حتی خیلی از موضوعاتی که در این بند آخر به صورت مستقیم آورده شده در داستان‌های دیگر به صورت هنری و لابه‌لای داستان بیان شده است.

۳. در داستان «فراری» صفحه ۳۵ از خلیفه اموی، مروان بن محمد، ملقب به مروان حمار نام برده شده است اما به اشتباه مروان بن حمار ذکر شده در صورتی که لقب حمار (الاغ) مربوط به خود مروان است نه پدرش.

۴. استفاده از پانوشت در داستان امری غیرمعمول و باعث به هم خوردن تمرکز خواننده و جدایی او از متن است و باید تا حد امکان از آن پرهیز کرد مگر اینکه برای انتقال اطلاعات چاره‌ای جز این نباشد. در داستان «مرا سوار کن» در پانوشت درباره «جحفه» - که نام منطقه‌ای است - توضیح داده است. اما تقریباً همین توضیحات را در متن همان داستان صفحه ۳۷ آورده است و نویسنده می‌توانست به همان توضیحات متن بسنده کند و بی دلیل از پانوشت استفاده نمی‌کرد. در داستان «سخن امام» در مورد اصطلاح «مولی رسول الله» هم همین اتفاق افتاده است. با توضیحاتی که نویسنده در مورد این اصطلاح در متن آورده احتیاجی به پانوشت نبود.

۵. برخی از کلمه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در داستان به نظر می‌رسد از نظر تاریخی مناسب نبوده و متعلق به زمان داستان نیست. مانند «شرطه» در صفحه



استفاده از پانوشت در داستان امری غیرمعمول و باعث به هم خوردن تمرکز خواننده و جدایی او از متن است و باید تا حد امکان از آن پرهیز کرد مگر اینکه برای انتقال اطلاعات چاره‌ای جز این نباشد.

۵۵ یا «نوچه زورگیر» در صفحه ۵۶ و حتی کلمه «کلاس» در صفحه ۴۲ (حتی در داستان ذکر شده که جلسه درس در شبستان مسجد بوده).
۶. درست کردن این جمله نیز پیشنهاد می‌شود: «بعد همان جا که رو به مناجات نشسته بود» (داستان «وعده‌های شیرین»، صفحه ۶۶). «رو به مناجات نشستن» چه معنایی می‌دهد؟

منابع

یکی از نکات مثبت کتاب با توجه به مستند بودن اثر، آوردن کتاب‌نامه در آخر آن است. با نگاهی به فهرست کتاب‌نامه درمی‌یابیم که نویسنده علاوه بر منابع دست اول که به آن رجوع نموده در کمال امانت‌داری عنوان کتاب‌های دیگری که به هر دلیل در نگارش کتاب آنها را بررسی کرده حتی کتاب‌های داستانی (بازنویسی) مانند «داستان راستان» شهید مطهری و «دعای گنجشک‌ها» از مرتضی دانشمند را در فهرست کتاب‌نامه آورده است. البته این نکته هم قابل ذکر است که از دیدن عنوان یکی از آثار خود محمود پوروهاب یعنی «قصه‌های کوچک از زندگی چهارده معصوم (علیهم‌السلام)» (به همراه مجید ملامحمدی) با توجه به بازنویسی بودن این کار در فهرست منابع تعجب کردم.
در پایان پیشنهاد من این است که علاوه بر کتاب‌نامه در آخر کتاب، منابع هر داستان در پایان آن داستان و در پانوشت آورده شود. این کار هم از جهت مستند بودن کار نکته مثبتی است هم برای مراجعه پژوهشگر یا نویسنده‌ای که در کار خود به استفاده مستند از این روایات نیاز دارد بسیار مفید است و در وقت او برای گشتن به دنبال روایات در منابع صرفه‌جویی می‌شود.



با نگاهی به فهرست کتاب‌نامه درمی‌یابیم که نویسنده علاوه بر منابع دست اول که به آن رجوع نموده در کمال امانت‌داری عنوان کتاب‌های دیگری که به هر دلیل در نگارش کتاب آنها را بررسی کرده حتی کتاب‌های داستانی (بازنویسی) مانند «داستان راستان» شهید مطهری و «دعای گنجشک‌ها» از مرتضی دانشمند را در فهرست کتاب‌نامه آورده است.